

## پیشگفتار چاپ سوم

چاپ‌های اول و دوم این کتاب بدون پیشگفتار بود. نوشته حاضر نیز به مفهوم متداول «پیشگفتار» از انگیزه تألیف و مندرجات کتاب سخن نمی‌گوید. هدف نگارنده از بیان این مختصر، ادای وظیفه و احساس یک ضرورت است؛ ضرورتی که باید به توضیح مسئولیت مستقیم این شاگرد در برابر لغزشها و کاستیهای این کتاب و برائت استاد ارجمند، فقید سعید، شادروان دکتر عبدالحسین نوائی بپردازد.

خوانندگان که با بیان رسا و قلم شیوای آن استاد فرزانه آشنا هستند به خوبی درمی‌یابند که نوشته‌های کتاب حاضر از سلاست کلام و بلاغت بیان آثار آن فقید ارجمند به دور است و دلیل آن روشن و واضح است. استاد فرهیخته، در این کتاب مطلبی مرقوم نفرموده‌اند و تنها به خواهش این شاگرد کوچک، کتاب را مطالعه کردند و تذکرات و راهنمایی‌هایی ارائه فرمودند. در ایام حیات آن بزرگوار نیز برخی از اندیشمندان، در این باره از ایشان سؤال می‌کردند و استاد گران‌مایه پاسخ لازم را می‌دادند؛ بنده هم در مقام شاگرد کوچک آن بزرگ استاد اندیشمند، اظهار نظر نمی‌کردم، زیرا این شاگرد حقیر را نمی‌رسید که در پیشگاه پرفضیلت استاد فقید، پاسخی به خوانندگان بدهد.

داستان از آنجا آغاز شد که استاد فرزانه، ادیب اندیشمند و مورخ نکته‌سنج، شادروان دکتر نوائی، در مقام همکاری با سازمان «سمت»، تألیف این کتاب را به شاگرد خود تکلیف فرمودند. بنده به دیده منت و با خوشحالی و غرور به انجام تکلیف پرداختم، زیرا برای خود افتخار می‌دانستم که استاد دانشمند، شاگرد خود را شایسته این کار تشخیص داده‌اند. از محضر پرفیض استاد فقید خواهش کردم اجازه فرمایند تا نام پرآوازه ایشان بر روی جلد، زینت بخش کتاب و مایه افتخار این شاگرد شود، زیرا ثبت

نام خودم را در کنار آن نام که شهرهٔ مجامع علمی و ادبی بود موهبتی بزرگ می‌دانستم و می‌دانم. استاد بزرگوار، با تواضع خاص خویش، به این خواهش پاسخ مثبت دادند. با توجه به موارد فوق و فقدان غم‌انگیز آن استاد فرهیخته، مسلماً هرگونه لغزش و کاستی کتاب حاضر، فقط و فقط متوجه نگارنده است و استاد بزرگوار در قبال آنها مطلقاً مسئولیتی ندارد. بدیهی است کتاب حاضر و دیگر وجیزه‌هایی که به قلم این بنده چاپ و منتشر شده، محصول تلمذ در محضر آن استاد فرزانه و اندیشمند و استادان بزرگوار دیگری است که شاگردی در کلاس درس آنان از افتخارات حیات نگارنده است. تذکر نکته‌ای بسیار ضروری است و آن اینکه اصولاً کتاب درسی محدودیتهای خاص خود را دارد و بیان همه دیدگاهها و تجزیه و تحلیل آنها در یک کتاب درسی مقدور نیست؛ بنابراین، یادگیری صحیح و مطالعهٔ تاریخ به روش علمی نیازمند رجوع به منابع گوناگون و داده‌های متعدد و مقایسهٔ مداوم آنها و شناسایی نوشته‌های درست و نادرست، جدا ساختن سره از ناسره و تشخیص آثار دست‌نخورده از آثار محرف است. قدرت جوانی، جودت ذهن و اندیشه توانمند دانشجو، عوامل بسیار سودمندی برای نیل به این مهم محسوب می‌شود.

عباسقلی غفاری فرد

تابستان ۱۳۸۸